

شرق روزنامه

یادداشت

جهان تغییر می‌کند... آمریکا هم

عاطف الغمری

تناقض و فقدان نکرش درست درباره سیاست خارجی «دونالد ترامپ» به‌خصوص در ماه‌های نخست ریاست‌جمهوری او پرسش‌های متعددی را پیش کشیده است: آیا این امر بدان برمی‌گردد که نظام سیاسی آمریکا دیگر نمی‌خواهد به شیوه مدیریت ده‌ها سال گذشته خود عمل کند؟ یا اینکه ترامپ از همان روزهای نخست ورود به کاخ سفید میراثی سنگین از مشکلات و چالش‌ها پیش پای خود دید که احساس می‌کند اگر همه هم‌وغم خود را مصروف آنها کند، باز هم نمی‌تواند سیاست خارجی خود را به صورتی متوازن شکل دهد؟

بسیاری از کارشناسان و نویسندگان پیش از پیروزی ترامپ چالش‌ها، مشکلات و دشواری‌هایی را ترسیم کردند که آمریکا در داخل یا خارج با آن مواجه خواهد بود؛ کاری را که آنها می‌کردند بیشتر به مثابه توصیه‌هایی از سوی «پاراک اوپاما» برای رئیس‌جمهور بعدی بود. آنها از طریق نوشته‌های خود دیدگاه‌هایشان را بیان می‌کردند و در مجموع نشان می‌داد آمریکا در یک ورطه هولناک افتاده است و به این وسیله به دنبال طرح یک سیاست خارجی متوازن و جدید بودند. خلاصه مطالب‌شان این بود که می‌خواهند نشاندها و اشاره‌های مربوط به وضعیت‌ی را ترسیم کنند که ترامپ در آینده با آنها روبرو خواهد شد و اینکه برای تعامل با این وضعیت او چه باید بکند. این توصیه‌ها و سفارش‌ها در چند کتاب گردآوری شده است؛ از جمله «آیا عصر آمریکا به پایان رسیده است؟» اثر «جوزف نای» مفکر مشهور یا «براقدرت؛ سه راه‌حل برای نقش آمریکا در جهان – و چرا آمریکا نیاز به یک سیاست خارجی جدید دارد؟» اثر «ادوارد گولدبرگ» یا «حماقت قدرت» اثر «دیوید کالیو» و «نگاه به آینده» اثر «رابرت کانان» سیاست‌مدار محافظه‌کار و «خوب‌بختنداری: اصول جدید استراتژی جهانی ایالات متحده» که در واقع حاصل مشاهدات شخص نویسنده است. اگر نگاهی به دیدگاه‌های این اشخاص موجود در رأس هرم جامعه آمریکا ببیندازیم، درخواستیم یافت برای مثال «هنری کیسینجر»، وزیر خارجه سابق آمریکا، پیوسته به نهاده‌ها و مراکز تصمیم‌سازی سیاسی در آمریکا هشدار می‌دهد که جهان پیرامون تغییر کرده است و دیگر سیاست خارجی گذشته را برنمی‌تابد. سیاست خارجی گذشته بر اصولی استوار و به جهانی وابسته بود که دیگر وجود خارجی ندارد. همچنین «زیگیگیو برژینسکی» در سال ۲۰۱۶ در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های اصلی سیاست خارجی رئیس‌جمهور آینده پس از اوپاما» نوشت این احساس در ایالات متحده وجود دارد که نفوذ آمریکا در جهان دیگر محل تردید است. با یک نگاه سریع به کتاب‌هایی که اشاره کردم، سیاست شخصی را به دست می‌آوریم که پیوسته تکرار می‌شود. گویی به این وسیله می‌خواهند رنگ‌ها را برای رئیس‌جمهور جدید به صدا درآورده و به او اطلاع دهند که باید مسیر



ستنی و ثابت گذشته را تغییر دهد. برای مثال ادوارد گولدبرگ می‌گوید شیوه‌های کنونی سیاست خارجی ایالات متحده متناسب با نظام جهانی فعلی نیست و سیاست آمریکا هنوز با جهانی تعامل می‌کند که در واقعیت دیگر وجود ندارد. «دیوید کالیو»، دیگر کارشناس آمریکایی، هشدار می‌دهد درک ذهنیت سیاسی آمریکایی برایش دشوار است و باید به نظریه دیگری درباره جهان فکر کند؛ جهانی که دیگر در آن ایالات متحده قدرت نخست و مسلط نیست. «ایان بریمر» در کتاب خود می‌نویسد: «چالش‌ها و نیز تناقضات در سیاست خارجی آمریکا در ۲۵ سال گذشته دوجندان شده است و این نوعی احساس عدم یقین را به وجود آورده و موجب انتقادات مکرر از این سیاست شده است». او می‌افزاید: «انتقادات آمریکا از دوستان و متحدانش چیز جدیدی نیست، یک دوران طلایی برای سیاست خارجی ما وجود نداشته که کامل و هماهنگ بوده باشد. درباره هدف اساسی آمریکا تردیدهای زیادی وجود دارد. ملت آمریکا نیز به آن چیزی که آمریکا سعی می‌کند در خارج محقق کند، توجه نشان نمی‌دهد».

«پاری بوسام» می‌گوید: «مرزهایی را که بین کشورها بود به‌دلیل عبور اطلاعات، آلودگی، فعالیت مجرمانه، سرمایه‌گذاری‌های بدون قاعده برداشته شده و همین امر انجام وظایف دولت‌های ملی را سخت کرده است». اکنون این پرسش مطرح است که درباره سیاست خارجی‌مان چه باید بکنیم. جهان در حال تغییر بوده و نیاز به تحولاتی سریع دارد که به اشکال گوناگون رخ می‌نماید. هنوز هستند کسانی که به دنبال همان افکار موروثی گذشته هستند و می‌گویند آمریکا باید نقش سلطه‌گر و رهبریکنده را برعهده داشته باشد. کسانی هم هستند که با این تفکر مخالف بوده و تاکید می‌کنند متوسل‌شدن به این‌گونه افکار آمریکا را با وجود شرایط یک نوسان بین دو ایده کاملاً متضاد یک نسوع توازن ایجاد کنند و اشاره می‌کند «جهان ما سیاه‌وسفید نیست».

یکی از مصادیق بارز همکاری متقابل میان دستگاه دیپلماسی و دستگاه نظامی آمریکا در موضوع آزادسازی شهر «رقه»، پایتخت خلافت خودخوانده داعش در شرق سوریه، اتفاق افتاد. ماتیس از یک‌سو برای نظر فرماندهی مرکزی آمریکا احترام قائل است و از سویی دیگر با توجه به اضطراری‌بودن کار، «رکس تیلرسون»، وزیر خارجه آمریکا و سایر اعضای تیم امنیت ملی آمریکا او را قانع کرده‌اند که لازم است در این زمینه دست‌به‌عصا کار و محتاطانه سیاست‌گذاری کند. شاید ماتیس و سایر فرماندهان سابق نظامی آمریکا از تیم امنیت ملی ترامپ بخواهند که در انجام تعهدات نظامی آمریکا که بسیار شتابزده تصمیم‌گیری شده است، قدری با احتیاط و دست‌به‌عصا عمل کند.

منبع:الخليج

نگاه

چالش‌های پیش‌روی وزرای ترامپ

دونالد ترامپ به صدمین‌روز ریاست‌جمهوری‌اش رسید. با این‌دورنما، بد نیست نگاهی گذرا کنیم به رابطه میان فرمانده کل قوای آمریکا که فردی است خام و بی‌تجربه و تندخو با وزیر دفاع خود «جیم ماتیس» که یک نظامی خونسرد و آرام است. این رابطه قدری عجیب‌وغریب است اما درعوض او می‌تواند روی تیم امنیت ملی‌اش که درکل یک تیم محکم و ستبر است حساب باز کند و به پندهای آن گوش فرادهد.

تمام تمرکز ماتیس در سفرش به خاورمیانه در دیدارهایش با مقامات سعودی، مصری و اسرائیلی، بر موضوعات مربوط به ائتلاف قیمایین بود، اما این مسئله فقط برای خود او مهم بود. از نگاه خبرنگارانی که او را در این دیدارها احاطه کرده بودند، ماجراهای مهم قابل‌عرضه برای وزیر دفاع آمریکا، اتفاقاتی بود که در عرض چند هفته گذشته رخ داد؛ از جمله موضوع نمایش قدرت نظامی آمریکا با کسپل ناو هواییمابر «کارل ونینسون» به آب‌های شرق آسیا و نیز پرتاب قوی‌ترین بمب آمریکا که لقب «مادر همه بمب‌ها» را گرفته است.

ماتیس هم سعی می‌کرد جواب‌هایی سریلا و البته غیرشفاف به همه پرسش‌ش‌ها بدهد. او یک نظامی است، اما عجیب است که خلقیاتش چندان با معیارهای نظامی سنخیت ندارد، اما به‌رحال او نیز چون همه ژنرال‌های نیروی دریایی و نیروی زمینی، اساساً خود را بازنیک یک تیم می‌داند و معمولاً تکروی نمی‌کند و با تیم حرکت می‌کند.

ماتیس معتقد است که پهنه سیاست خارجی آمریکا در سال‌های اخیر بیش از حد نظامی‌سازی شده است و ایجاب می‌کند که از این پس نقش عمده‌ای در این‌عرصه به وزارت خارجه سپرده شود. امروز معمای بزرگ پیش‌روی ماتیس این است که جهان امروز، جهانی است رنگارنگ، اما مردم با حداقل رسانه‌ها، راه‌حلی «تک‌رنگ» برای آن می‌طلبند.

ماتیس می‌گوید، سیاست‌سازان گاهی اوقات لازم است بین دو ایده کاملاً متضاد یک نسوع توازن ایجاد کنند و اشاره می‌کند «جهان ما سیاه‌وسفید نیست». یکی از مصادیق بارز همکاری متقابل میان دستگاه دیپلماسی و دستگاه نظامی آمریکا در موضوع آزادسازی شهر «رقه»، پایتخت خلافت خودخوانده داعش در شرق سوریه، اتفاق افتاد.

ماتیس از یک‌سو برای نظر فرماندهی مرکزی آمریکا احترام قائل است و از سویی دیگر با توجه به اضطراری‌بودن کار، «رکس تیلرسون»، وزیر خارجه آمریکا و سایر اعضای تیم امنیت ملی آمریکا او را قانع کرده‌اند که لازم است در این زمینه دست‌به‌عصا کار و محتاطانه سیاست‌گذاری کند. شاید ماتیس و سایر فرماندهان سابق نظامی آمریکا از تیم امنیت ملی ترامپ بخواهند که در انجام تعهدات نظامی آمریکا که بسیار شتابزده تصمیم‌گیری شده است، قدری با احتیاط و دست‌به‌عصا عمل کند.



بررسی عملکرد دونالد ترامپ از ابتدای تصدی ریاست‌جمهوری

۱۰۰ روز در کاخ سفید

بی‌شک یکی از جنجالی‌ترین تصمیم‌های صد روز نخست ریاست‌جمهوری

ترامپ دستور اجرایی ضد‌مهاجرتی ممنوعیت ورود اتباع هفت کشور مسلمان به خاک آمریکا بود. او در وعده‌های انتخاباتی‌اش از این موضوع سخن گفته و قول داده بود ورود مهاجران از همه کشورهای مسلمان به آمریکا را ممنوع کند. بعداً این تصمیم را تعدیل کرد و گفت این ممنوعیت فقط شامل اتباع کشورهایی می‌شود که تاریخ «تروریسم» دارند. جالب آنجا بود که این ممنوعیت شامل شهروندان رسمی آمریکا نیز می‌شد. به محض صدور این دستور مخالفان به خیابان‌ها و فرودگاه‌ها رفتند و مخالفت خود را ابراز داشتند. در نهایت دستگاه قضائی فدرال آمریکا این دستور را متوقف کرد. ترامپ تغییراتی در دستور اجرایی خود داد. اما برای اام دوم سیستم قضائی فدرال آمریکا دستور دوم را نیز متوقف کرد. ترامپ پس از این دو ناکامی دستور داد محدودیت‌هایی در ارائه بودجه فدرال به شهرهایی موسوم به «شهرهای امن» که در اجرای قانون مهاجرت فدرال همکاری نمی‌کنند، اعمال شود. این دستور نیز با حکم یک قاضی فدرال برخلاف قانون اساسی آمریکا تشخیص داده و متوقف شد.

تجارت واقتصاد

یکی از مهم‌ترین وعده‌های ترامپ در حوزه تجارت، مذاکره دوباره قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی معروف به نفتا بود. او می‌گفت که نفتا باید به توافقی بهتر تبدیل شود. نفتا قرارداد تجاری سه‌جانبه‌ای بین ایالات متحده، کانادا و مکزیک است که از سال ۱۹۹۴ به اجرا درآمد. براساس نفتا موافق گمرکی میان این سه کشور از میان برداشته شده است. این قرارداد همچنین بدون رضایت کنگره آمریکا تغییراتی در نفتا ایجاد کند. برخی از تحلیلگران معتقدند خروج از نفتا می‌تواند منجر به جنگ تجاری شود که به ضرر اقتصاد می‌کند. ترامپ نفتا را بدترین قرارداد طول تاریخ می‌داند و معتقد است این قرارداد موجب از دست‌رفتن فرصت‌های شغلی بسیاری در آمریکا شده است. ترامپ می‌گوید حتی اگر دیگر امضاکندگان نفتا توافق نکنند نیز او آمریکا را از این معاهده بیرون خواهد کشید. رئیس‌جمهور مکزیک و نخست‌وزیر کانادا هر دو با بهترکردن و بررسی مجدد این معاهده موافقت کرده‌اند. ترامپ می‌تواند بدون رضایت کنگره آمریکا تغییراتی در نفتا ایجاد کند. برخی از تحلیلگران معتقدند خروج از نفتا می‌تواند منجر به جنگ تجاری شود که به ضرر اقتصاد می‌کند.

ترامپ به ۱۰ طرحی که قرار است دولت در صد روز اول ریاست‌جمهوری خود در کنگره به تصویب برساند اشاره کرده است که هیچ‌کدام از آنها به تصویب نرسیده است. تا پایان دوره ترامپ هنوز راه زیادی باقی است. البته برخی از کارشناسان معتقدند او نمی‌تواند این دوره را به پایان برساند و دونالد ترامپ پیش از به پایان‌رساندن دوره چهارساله‌اش با استیضاح یا استعفا مجبور به ترک کاخ سفید خواهد شد

آمریکا باشد. یکی از وعده‌های اقتصادی مهم ترامپ ایجادکردن ۲۵ میلیون شغل و بازگرداندن شغل‌های تولیدی از خارج از خاک آمریکا بوده است. او همچنین وعده رشد اقتصادی سالانه چهاردرصدی را داده است. گفته می‌شود این وعده ترامپ که بیش از دوونیم برابر اوپاما و حتی بیش از بیل کلینتون که از این حیث رکوددار است، مبهم است. خیلی از اقتصاددانان معتقدند بازگرداندن مشاغل تولیدی از آن سوی مرزها نیزبه خاطر تغییرات ساختاری اقتصاد، امری امکان‌ناپذیر است. آنها همچنین درباره وعده رشد اقتصادی ترامپ نیز مشکوک هستند.

از دیگر وعده‌های تجاری ترامپ می‌توان به وعده خارج‌کردن ایالات متحده از پیمان همکاری کشورهای حوزه اقیانوس آرام معروف به تی‌پی‌پی اشاره کرد. تی‌پی‌پی پیمانی سرمایه‌گذاری و مقررات‌گذاری بین ۱۲ کشور حاشیه اقیانوس آرام به غیر از چین است که در اوایل سال ۲۰۱۶ بعد از هفت سال مذاکره نهایی شد. این پیمان براساس اهداف رشد اقتصادی، حمایت از ایجاد و نگهداری کار، افزایش ناوآوری، بهره‌وری و رقابت، بالابردن سطح استاندارد زندگی، کاهش فقر در کشورهای طرف قرارداد، ارتقای شفافیت در حکومت، افزایش نیروی کار و حفظ محیط زیست نوشته شده است. چهارم بهمن سال پیش دونالد ترامپ با فرمان اجرایی دیگری دستور خروج ایالات متحده از این پیمان را امضا کرد. گفته می‌شود از آنجایی که کنگره آمریکا هنوز این قرارداد را به تصویب نرسانده است و به این کار علاقه‌ای هم نشان نمی‌دهد، ترامپ می‌تواند به‌راحتی آمریکا را از تی‌پی‌پی خارج کند.

سیاست خارجی وامنیت

ترامپ فقط در منظره آخر خود با هیلاری کلینتون، بیش از ۱۰ بار کلمه «ایران» را به زبان آورد و در یکی از مهم‌ترین دفعات آن، توافق هسته‌ای با ایران را «احمقانه‌ترین» توافق تاریخ خواند. او از همان ابتدا از سرسخت‌ترین منتقدان برجام بود و در شهریور ۹۴ گفت که «با ایران دوباره مذاکره خواهد کرد». او هیچ‌گاه مشخص نکره که قرار است توافق را چگونه تغییر دهد اما با متهم‌کردن ایران به تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای وعده داد که جلوی



مهدی نوریان

صد روز از ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ می‌گذرد. اگرچه او تلاش می‌کند سنت ارزیابی عملکرد صدروزه را امری «مسخره» جلوه داده و رسانه‌ها را به تخریب دستاوردهای دولت خود متهم کند، تیم ترامپ دستاوردهای او را ستایش می‌کند. ترامپ در تویییتی می‌نویسد: «هر اندازه هم که من در مدت این صد روز مسخره دستاورد داشته باشم رسانه‌ها آنها را تخریب خواهند کرد.» همه سیاست‌مداران در دوران کمپین‌های انتخاباتی وعده می‌دهند. اما شاید کمتر کسی را مانند ترامپ پیدا کنیم که به گفته روزنامه واشنگتن‌پست ۲۸۲ وعده انتخاباتی به مردم داده باشد؛ آن‌هم وعده‌هایی که با عجله، جلب توجه، طرد، تهدید و توهین همراه بوده است. وعده‌هایی که قرار بود خط‌مشی‌های کلان آمریکا را عوض کرده و اغلب همان روز اول اتخاذ شوند؛ از کشیدن دیوار بین آمریکا و مکزیک به خرج مکزیکی‌ها تا پاره‌کردن توافق هسته‌ای با ایران و افزایش نیروی نظامی ایالات متحده. اما ترامپ چقدر در عمل به وعده‌هایش موفق بوده است؟ آیا نظرات مردی که با توییت‌های گاه‌وبی‌گاهش واشنگتن و جهان را به جوش می‌آورد تغییراتی هم داشته است؟ چقدر از مواضع ترامپ مثل نظرات او نسبت به چین و ناتو چرخش قابل‌توجهی داشته‌اند؟ خلاصه اینکه ترامپ تا چه اندازه به وعده‌هایش عمل کرده است؟

قدم‌های لرزان به کاخ سفید

ترامپ در شرایطی وارد کاخ سفید شد که در برابر رقیب دموکرات خود، هیلاری کلینتون، در آرای مردمی شکست خورده بود. او به یمن آرای اکتئورال، آن هم با اختلافی اندک بود که توانست به این مهم دست پیدا کند. ورود ترامپ به کاخ سفید با تظاهرات‌های گسترده مخالفانش در سراسر آمریکا همراه بود. تظاهرات‌هایی که هنوز کم‌وبیش و به بهانه‌های مختلفی ادامه پیدا کرده‌اند. رضایت از ترامپ از زمان تصدی ریاست‌جمهوری در بهترین حالت از ۴۰ درصد بیشتر نشده و از این حیث عنوان کم‌محبوبیت‌ترین رئیس‌جمهور آمریکا در بیش از ۵۰ سال گذشته را به خود اختصاص می‌دهد.

خودکامی ترامپ

تعداد زیادی از دستاوردهای ترامپ از طریق دستورات اجرایی و یادداشت‌های ریاست‌جمهوری بود که در مدت هشت سال ریاست‌جمهوری‌اش کمترین اوپاما را به خاطر آن در طول دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش مورد انتقاد قرار می‌دادند. جالب اینجاست که حدود ۶۲ درصد دستورات ترامپ از این قبیل بوده‌اند. رؤسای‌جمهور آمریکا سعی می‌کنند کمتر و فقط در مواقع ضروری از این دستورات استفاده کنند چراکه استفاده زیاد از این دستورات نشان‌دهنده نوعی خودکامگی در شخصیت رئیس‌جمهور و سیاست‌های اوست. اوپاما جزء رؤسای‌جمهوری بود که در مدت هشت سال ریاست‌جمهوری‌اش کمترین دستور اجرایی را صادر کرد. دولت دونالد ترامپ هیچ قانون مهمی را نتوانسته است به تصویب برساند. تنها لایحه‌ای که او سعی کرد به کنگره بررد لایحه لغو و جایگزینی طرح خدمات درمانی اوپاما معروف به «اوپاما‌کر» بود که آن هم زیر انتقادات تند محافظه‌کاران هنوز راه به جایی نبرده است. در زیر به بررسی برخی از مهم‌ترین وعده‌های ترامپ در حوزه‌های مختلف و میزان تحقق آنها می‌پردازیم.

مهاجرت

یکی از اولین وعده‌های ترامپ که سروصدای زیادی نتهاند در آمریکا بلکه در جهان به‌خصوص مکزیک به پا کرد، کشیدن دیواری در سراسر مرز بین این دو کشور برای جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی مکزیکی‌ها به خاک آمریکا بود. در همین راستا او مکزیکی‌ها را مجرم، قاچاقچی و متجاوز خوانده بود. ترامپ بعداً وعده داد که نهم‌تها چنین می‌کنند، بلکه کاری می‌کند که هزینه این دیوار از نیز دولت مکزیک بپردازد. تحلیلگران چنین کاری را چه از نقطه نظر هزینه و چه از منظر جغرافیایی غیرممکن می‌دانند. البته برخی معتقدند ترامپ واقعا قصد دارد چنین کاری را انجام دهد. ترامپ ششم بهمن سال پیش دستوری اجرایی در راستای ساخت دیوار امضا کرد. البته پس از آن برای تحقق این وعده تلاش جدی نکرد. حتی بعداً از کشیدن نرده به جای دیوار نیز صحبت کرد و موضوع را بر عهده وزارت امنیت داخلی گذاشت. ۲۳ اسفند سال گذشته دولت ترامپ مبلغ ۲۰۶ میلیارد دلار برای زیرساخت و فناوری امنیت مرزی درخواست کرد که شامل هزینه برنامه‌ریزی، طراحی و ساخت دیوار در مرز با مکزیک نیز می‌شد. رئیس‌جمهور مکزیک بر این مسئله تاکید دارد که مکزیک هزینه‌ای را برای ساخت این دیوار پرداخت نخواهد کرد. رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا، در مصاحبه‌ای در ماه جاری گفت در این مورد با همتای خود صحبتی نداشته است. بل رایان، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا نیز گفته است مجلس هزینه دیوار را پرداخت می‌کند اما این هزینه به کسری بودجه اضافه خواهد شد.